



کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

باران! باران! دوباره باران! باران!

باران! باران! ستاره باران! باران!

ای کاش تمام شعرها حرف تو بود:

باران! باران! بهار! باران! باران!

قیصر امین پور

وقت زیبا

نگاہے بہ زیبایے های ظهور



سرشناسه : محمودی، حسن، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : وقتی بیایی / مولف حسن محمودی.
 مشخصات نشر : قم : همای غدیر، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۸۰ص. : مصور (بخشی رنگی).
 شابک : ۳۵۰۰۰ ریال - ۱۶-۰-۸۵۲۰-۶۰۰-۹۷۸ :
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- رویت
 موضوع : Vision -- Muhammad ibn Hasan, Imam XII
 موضوع : مهدویت -- انتظار
 موضوع : *Waiting -- Mahdism
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ و ۳۵۱۶م/۴/۲۲۴ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۹۵۶۷۰

وقتی بیایی

مؤلف: حسن محمودی

گرافیک: مسعود سلیمان

ناشر: انتشارات همای غدیر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۰-۱۶-۰

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۵

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۳۵۲۰۴۹۲ - ۰۲۵۳۷۸۳۷۱۱۱

تقدیم بہ تمام کسانے کہ
برای آمدنش
قدمے برمے دارند
ونام خویش را
در لیست زمینہ سازان
ظہور، ثبت مے کنند۔

مقدمه

ظهور منجی مساوی است با ظهور همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها. برای رسیدن به این دوران باید سختی‌هایی را تحمل کرد و در این مسیر حرکتی عاشقانه داشت.

ما به‌عنوان یک شیعه، وظایفی را در دوران غیبت داریم که اگر بخواهیم همه این وظایف را در یک وظیفه کلی بگنجانیم آن وظیفه عبارت است از:

«تبدیل دوران غیبت به دوران ظهور»

عملیاتی شدن این وظیفه در گروی این است که نسل نو و نوجوان ما ترسیم کوچکی از دنیای ظهور در ذهن خود داشته باشد تا بداند به کدام سو و به چه جهت در حال حرکت خواهد بود. اگر بدانیم پشت این کوه، چشمه‌ای است که همه را سیراب می‌کند با شوق بیشتری به بالا رفتن از کوه ادامه خواهیم داد. ما نیز اگر بدانیم در پس این غیبت، دورانی است که بشر

روی سعادت و خوشبختی را در همه‌ی ابعاد تجربه خواهد کرد، حرکت‌مان را به سمت آن دوران شتاب بیشتری می‌دهیم.

به همین دلیل بر آن شدیم تا ترسیمی کوتاه و جزیی از زیباییهای ظهور را که از روایات برداشت شده است برای نوجوانان عزیز بازگو کنیم تا با درک جلوه‌ای از آن دوران، دل پاکشان را برای رسیدن به این خوبی‌ها، پاک نگه‌دارند. و بدانند که وظیفه‌ی اولشان پیمودن راهی است که به ظهور ختم شود تا در آن روز شرمنده مولایمان نباشیم. و دوم اینکه به این باور برسند که پیمودن این راه جز با دوری از گناه حاصل نخواهد شد.

شیرینی لحظه‌ای که امام ظهور کرده و از شما نوجوانان بابت زمینه‌سازی‌هایی که برای رسیدن به این زیباییها و ظهورشان نموده‌اید رضایت داشته باشد بسیار به یادماندی خواهد شد. اما قبل از پرداختن به این زیباییها، گوشه‌ای از ظلمت‌ها و سیاهی‌های دوران غیبت را یادآور می‌شویم.

فاصله از خدا

بشر وقتی از خدا و آموزه‌هایش فاصله گرفت، طعم زندگی واقعی را نخواهد چشید. این فاصله در دورانی، بیشتر شده، از انسانیت رنگ و بویی نخواهد ماند. جهان به سمت ظلم و تیرگی می‌رود. از علم برای نابودی انسان‌ها استفاده می‌شود، بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی تنها نمونه‌ای از این کج سلیقگی بشر مدرن است که اتم را برای نابود کردن انسان‌ها می‌خواهد.

فقر و گرسنگی دنیا را احاطه کرده است. آمار رسمی جوامع بین‌المللی از اختصاص ۹۰ درصد ثروت جهان در دست ۱۰ درصد انسان‌ها خبر می‌دهد.

تجارت انسان و در پی آن اعضای او، بسیار رسمی و آشکار انجام می‌شود. انواع بمب‌های فسفری و غیر فسفری هر روز بر سر زنان و کودکان ریخته می‌شود. کسی به ناله‌های کودکانی که والدین خود را جلوی چشم خود از دست داده‌اند نمی‌رسد.

مواد مخدر، بلای جان انسان‌ها شده. عده‌ای فقط بخاطر سود مالی، حاضرند خانواده‌ها را بی‌پناه کرده، به تنها چیزی که فکر می‌کنند، پول است و دلار.

دختران طعمه حریق شهوت شهوت پرستان قرار گرفته، با اندک

متاعی فروخته می‌شوند. اعراب خلیج نشین برای عیش و نوش خود، پسران لاغر و سبک را از آفریقا می‌آورند تا بر شترها سوار شوند و در کورس مسابقه مقام آورند. اصلاً مهم نیست این بچه از پدر و مادرش دور شده یا چه اتفاقی بر سرش خواهد آمد. بی احترامی، فحش و دشنام در همه مجامع باب شده، فریاد بی ادبی بر سر پدر و مادران بلند است و حریم‌ها در پستوی خانه‌ها زندانی شده‌اند.

مقدّسات مورد تمسخر قرار گرفته به راحتی هتک حرمت ساختشان را فرا می‌گیرد.

شهوت حرف اول خیلی‌ها شده، بخاطرش قتل و کشتار راه می‌اندازند و خانواده‌ها را از هم پاشیده به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند آینده کودکان و نوجوانان است. فلسطین، سوریه، عراق و یمن تنها گوشه‌ای از جنایات درخیمان را شاهدند. درحالی که مردم اروپا و آمریکا نیز از دست ظلم و بی‌عدالتی حاکمانشان در امان نیستند و ...

این تنها سر سوزنی از سیاهی‌های دوران غیبت بود که همه شاهد آن هستند اما برای حرکت بسوی نور و ظهور، چشمه‌ای از آن زیبایی‌ها را ترسیم نموده‌ایم. تا بدانیم وقتی آن وجود با عظمت بیاید چه اتفاقاتی رخ عیان می‌نماید.

وقتِ بیایے

جبرئیل اولین کسی است که افتخار بیعت با شما نصیبش می‌شود. سپس سیصد و سیزده خوشبخت، ۳۱۳ مرد عقل و عشق، با چشم به هم زدنی خود را به محضر شما می‌رسانند^۱ و با افتخار دست شما را می‌فشارند. با این کار، تاریخی‌ترین بیعت و سرنوشت‌ساز ترین اتفاق رقم می‌خورد. بیعتی که جهان را به سمت صلح و عشق و آبادانی می‌برد. و بعد از ۳۱۳ نفر، ده هزار سرباز سلحشور با شور و شعف به فرماندهی سیدحسینی به شما ملحق شده مانند نگین انگشتر دور تا دور شما را احاطه می‌کنند. جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ شما، چه خوشحال در حرکت هستند.

فرشتگانی که همراه حضرت نوح (علیه السلام) در کشتی بودند، آنانی

که ابراهیم علیه السلام را در نجات از آتش یاری رساندند، فرشتگانی که همراه موسی علیه السلام در نیل بودند و آن چهارهزار فرشته‌ای که نبی مکرم اسلام را همراهی می‌کردند و گروه آخر، فرشتگانی که برای یاری امام حسین علیه السلام آمدند و از این توفیق محروم شدند همگی در سپاه شما حاضرند.^۲

شما چه زیبا، زره پیامبر صلی الله علیه و آله را به تن کرده با ذوالفقار علوی گام برمی‌داری.^۳ و چه دلنشین است اولین جمله‌ای که بر لب می‌آوری و آوای وحی را در سرزمین نزول قرآن طنین افکن می‌کنی که:

«بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^۴

و جمعیت چه به وجد می‌آید آنگاه که می‌شنود صدای زیباییات را که می‌گویی: انا بقیت الله فی ارضه.^۵

وقتے پیارے

تنها ۷ ماه جنگ می‌کنی آن‌هم نه با مردم بلکه با لشکر
کفر که در مقابلت صف کشیده‌اند و مخالف برنامه‌های زیبای
شما هستند. آری مردم در امانند که شما امان اهل زمین
هستی.

سپاه عظیم شما که فرشتگان و انس و جن با افتخار در آن عضو هستند به سوی دشمن حرکت می‌کند. رعب و ترسی که خداوند در دل دشمن انداخته لرزه بر اندامشان می‌آورد و آن‌ها را به تسلیم نزدیک کرده، راه نجات امت‌ها را فراهم می‌سازد.

سفینانی دشمن اصلی شما که پلیدترین انسان‌هاست

لشکری عظیم به‌سوی مکه گسیل می‌دارد تا به خیال خام خودش با شما مقابله نماید اما معجزه‌ای در زمین «بیدا» رخ داده، زمین با شوق و برای یاری شما لشکر او را می‌بلعد تا در راه محقق شدن زیبایی‌های ظهور مانعی نباشد.

آری خدایی که با چند مشت شن، در صحرای طبس، به ما نشان داد که، تمام تجهیزات دشمن سرتاپا مسلح، در مقابل لشکر او عددی نیستند، اینجا هم به زمین دستور می‌دهد که شکافته شود و خبیث‌ترین انسان‌ها را در خود جای دهد. لشکریان خدا، بسیار خرسند هستند که پا در رکاب شما هستند و برای برپایی حکومت خدا، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده، مخلصانه در راه شما جانفشانی می‌نمایند.

وقتے بیاے

و گام‌های استوارت را روی پله‌های منبرگذاری و با صدایی
علی‌گونه خطبه بخوانی، بشریت بهترین دوران خود را پیش‌رو
خواهد داشت. شما خطبه می‌خوانی و زمین صدای عدالت را
می‌شنود صدایی که برای او غریبه و نا آشنا شده بود. صدای
دلنشین شما، نوازش‌گر گوش‌ها می‌شود و نگاه‌ها در جذبه‌ی
یک نگاهت غرق خواهند شد.

آسمان باران رحمتش را نازل می‌کند.

درختان میوه پر بار شده، زمین سرسبز، خرم و زیبا
می‌شود.^۶

نه تنها طعم میوه‌ها بسیار شیرین و گوارا است که طعم زندگی، تجربه‌ای تازه از لذت، شیرینی و دلچسبی را به همراه خواهد داشت. همه خوشحال هستند که استشمام در آن فضا نصیبشان شده است.

و چه زیبا و فصیح خطبه می‌خوانی، از باد گرفته تا صدای پرندگان همه ساکت شده؛ هستی محو شنیدن آن کلمات زیباییات می‌شوند.

و چه خطبه‌ای که سرآغاز تحولی زیبا در نظام هستی شده، جهان را به سوی خیر و برکت و آبادانی رهنمون می‌شود. همه با عشق به جملات زیبا و موزون گوش فرا می‌دهند.

وقتے بیاے

حکومتی واحد تشکیل می شود، همه یکی می شوند یک دل، یک رنگ و یک عقیده، بساط دولت ها و حکومت ها برچیده شده با آن اقتدار و مدیریتی که داری همه را تحت لوای حکومت زیبا و عادلانه ای که هدیه ای است از جانب خداوند برای بشر، جمع می کنی.^۷

حکومتی که سراسر گیتی را فرا گرفته، مشرق و مغربی که با دستان با کفایت شما فتح شده است.^۸ اما مهم تر از آن، حکومتی است که بر دل ها داری. زن و مرد، شیفته ی نگاه و مرام شما شده از این که در خانه ی قلبشان سکنی گزیده ای خوشحال هستند. اینک بوی صفا، محبت، سبزی و آبادانی همه

حکومت برپا دل
 دولت بر دل
 دولت بر دل
 دولت بر دل

جا را گرفته و مردم خوشحال از این همه نعمت و عشق و صفا، تحت لوای شما در مسیر بندگی خدای عالمیان گام برمی دارند. والیانت، گوش به فرمان، به سرعت امر شما را امتثال کرده در راه اهداف زیبایت سراز پا نمی شناسند.

و چقدر چشم مردم، روشن است که حکومت شما را درک کرده اند.^۹ که چون شبهای درخشنده برای همه ی تاریکی ها مراسم ختم برگزار و سرزندگی و نور را در عالم جایگزین نموده اید.

مرکز حکومتان مسجد کوفه است. یادآور حکومت جد غریبتان امام علی (علیه السلام). محل زندگی شما «مسجد سهله» که با اهل و عیال در آن جا مشرف می شوید.^{۱۰}

دولت بر دل
 دولت بر دل
 دولت بر دل
 دولت بر دل

وقتے بیاے

روش جد بزرگوارت پیامبر خدا که مهربان ترین انسان ها بود را
پیش گرفته چون پدری دلسوز، دست نوازش بر سر همگان می کشی.
مردم با دیدن سیره فراموش شده رسول اکرم ﷺ به وجد
آمده آماده ی الگوگیری از آن انسان کامل می شوند.

و چه زیبا، سیره و روش جد عزیزت را عملی می کنی،
مانند او به همه حتی کودکان سلام می دهی با تواضع راه
می روی و با مهربانی لبخندی ملیح همیشه بر لب داری.

و چه عطر خوش بویی که به هستی حیات داده یادآور بوی
خوش پیامبر ﷺ در کوچه های مدینه است. آن قدر مهربان و
دوست داشتنی هستی که اگر اجازه داشتیم تمام شبانه روز در
کنارت می ماندیم اما رضایت شما مهمتر است و ما برای خدمت

به دیگران از حضورتان مرخص می‌شویم.

خوشا بحال کسانی که تا دلشان تنگ شما می‌شود شما را مشاهده می‌کنند و زاد و توشه چند روز خویش را با نگاه به خال روی صورت زیبایی‌ت، از شما می‌گیرند.

وقتی راه می‌روی، پی می‌بریم که رسول خدا چگونه راه می‌رفت و وقتی لبخند می‌زنی، لبخند پیامبر مهربانی را به یاد می‌آوریم که شما، هم نام ایشان، خلق و خوی‌تان نیز مانند ایشان است. اخلاق محمدی به همراه عطر گل یاس در کوچه‌های شهر پر شده است. از آن مادر با عظمت و معصوم، چنین فرزندی نیز انتظار می‌رود.

خوش‌سیمما، خوش‌مرام، خوش‌کلام، خوش‌برخورد و بسیار مهربان و دوست‌داشتنی.

وقتے بیاے

جہل و نادانی می‌رود. به کجا؟ نمی‌دانم ولی در این دنیا اثری از آن نیست. نهضت عظیم علمی با رهبری عالم‌ترین انسان‌ها رخ می‌دهد. ۲۵ قسمت باقیمانده از ۲۷ قسمت علم به بشر آموزش داده می‌شود تا سیرابی علم و دانش همه را به نشاط و سرزندگی برساند.^{۱۲} نهضت علم‌آموزی راه می‌افتد و همگان در مدتی کوتاه، عالم می‌شوند.

آنچنان حکمتی نصیب انسان‌ها می‌شود که یک زن خانه‌دار در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسول، حکم داده و قضاوت می‌کند.

تکنولوژی در صنعت، کشاورزی و بهداشت و ... رشد

عجیبی پیدا کرده حتی بشر به راحتی به فضا رفت و آمد می‌کند.^{۱۳}

هیچ دانشی برای بشر مخفی نخواهد ماند. هرچه از علم و دانش موجود است با دستان با کفایت به بشر عرضه می‌شود. همه‌ی اسرار و رازها از خفا درآمد به بشر به تمام اسرار عالم پی خواهد برد. علم به آسمان‌ها و کهکشان‌ها به راحتی در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد. وسایلی بسیار پیشرفته ساخته شده، با آن‌ها تمام ستارگان و سیارات به راحتی رؤیت می‌شوند. لذت دانایی به همه عطا می‌شود. دانایی مردم، دارایشان شده. مهم‌تر از همه عمل به دانسته‌هاست که زندگی را زیباتر جلوه می‌دهد.

وقتے بیابے

پرنندگان هوا و ماهیان دریا شاد می‌شوند، نهرها طولانی و پرآب شده، چشمه‌ها جاری می‌گردد، گیاهان و میوه‌ها در اوج شادابی عرض اندام می‌کنند. ۱۴

مردم از خوردن میوه‌ها و محصولات سالم، لذت می‌برند و به تندرستی و سلامت کامل می‌رسند.

دیگر مواد غذایی پیدا نمی‌شود که برای بشر ضرر داشته باشد یا از مواد شیمیایی برای حفظ آن استفاده نمایند.

حیوانات بهترین گیاهان را می‌خورند و محصولات ناب به انسان‌ها تحویل می‌دهند. آن‌ها از این وضع بسیار خوشحال

سلامت روح و جسم یکی از اهداف بزرگ شماسست. به همین دلیل هرچیزی که کوچکترین ضرری برای سلامت داشته باشد از زندگی‌ها حذف می‌شود. مردم با خوراک سالم از روحیه سرشار از عشق و محبت و نشاط برخوردارند. درختان با خوشحالی، اکسیژن تولید می‌کنند. صدای نهرها با طراوت به‌گوش می‌رسد.

نه تنها در دو طرف نهرها، سبزه و گل دیده می‌شود که تا چشم کار می‌کند همه جا را سرسبزی و زیبایی فرا گرفته است.

[illegible]

چمن زارها قدم زنان، هوای پاک و سالم تنفس می کنند.
 حیوانات، دیگر از انسان ها نمی ترسند و با راحتی و خوشی
 کنار خانواده های خود زندگی می کنند.

هیچکس در فکر آزار و اذیت دیگران نیست. مردم جز به
 خدمت به یکدیگر، فکر دیگری ندارند. بچه ها هم به بزرگ ترها
 بیشتر کمک می کنند چون می دانند با این کارها، شما آنها
 را بیشتر دوست خواهید داشت. برای آنها لبخند رضایتی
 که روی لبان شما نقش می بندد از همه چیز مهمتر است.
 مهربانی در کوچه و بازار موج می زند. درندگان نیز با یکدیگر
 در صلح و آرامش زندگی می کنند.^{۱۶}

کودکان به راحتی با بزغاله های زیبا بازی کرده برایشان
 غذاهای خوشمزه می آورند.

مستی
مردم
ایام دوستی
ستی

مستی
مردم
ایام دوستی
ستی

وقتِ بیایه

همه جا آباد می شود، همه جا واقعاً همه جا، هیچ ویرانی
باقی نمی ماند مگر اینکه با دستان توانا و کلام نافذ شما آباد
می شود.^{۱۷}

مهم تر از آن آبادانی، آباد شدن روح ها و جانهاست که با
از بین رفتن بدعت ها و سنت های خرافی که تفکر ناب شما
آن ها را زایل می کند، به وجود می آید.^{۱۸}

فکرها به سلامت می رسند. بدبینی و بدخواهی از سینه ها
رخت برمی بندد. مردم آرزوی خوبی و خیر برای دیگران دارند
و احسان را سرلوحه خویش قرار داده در فکر خدمت به
دیگران سرازیر نمی شناسند. اما مهم تر از همه خوشحالی و

سرزندگی
سرزندگی
سرزندگی
سرزندگی

شعفی است که از خدمت به شما حاصل می‌شود. کودکان
آرزو می‌کنند ای کاش آن‌ها هم بزرگ بودند تا در اجرای
برنامه‌های الهی شما را یاری می‌کردند.

نگاه‌ها زیبا شده، هیچ کس به طمع مال و مقام به کسی
نگاه یا سلام نمی‌کند. امر شما نافذترین است که هیچکس
یارای مخالفت با آن را ندارد. همه مطیع شما هستند و با
تدبیر شما و اجرای فرامینتان، عالم رو به سوی آبادی و
سرزندگی می‌رود.

نغمه پرندگان بر شاخساران، شور و نشاطی خاص به
رهگذران می‌دهد.

پرنده‌ها گاه‌گاهی روی شانه‌ی عابران می‌نشینند.

سرزندگی
سرزندگی
سرزندگی
سرزندگی

وقتے بیایے

اخلاق بد، شرمندہ و خجل شدہ. اثاثیہ اش را جمع کردہ از این عالم کوچ می کند. لبخند بر روی لبها خانہ ای دائمی دارد. انسان ها شاهد تکامل اخلاق هستند و مهم تر از همه، دست با کفایت شماس ت کہ بر سرها کشیدہ می شود و عقل ها را بہ کمال خود می رساند.^{۱۹}

چہ زیباست صفا و صمیمیتی کہ از رشد عقل ها در بشریت ایجاد می گردد. مردم همه با ہم رفیق، صمیمی و یک دل می شوند بہ طوری کہ دست در جیب دوست خود کردہ، بہ قدر نیاز برمی دارند و رفیقشان نہ تنها او را منع نمی کند بلکہ بہ رویش لبخند ہم می زند.^{۲۰}

چراکه ما می‌دانیم بخل، نشانه بی‌عقلی است و انسان سخاوتمند عاقل‌ترین مردم است.

با این فراوانی نعمت‌ها نه از اسراف خبری هست و نه از بخل و تنگ نظری. مردم با عشق به هم خدمت کرده، بر یکدیگر منت نمی‌گذارند. پدر در خانه به زیبایی با زن و فرزندان صحبت می‌کند و دست نوازش او بر سر آن‌ها مایه آرامش و خوشبختی آن‌ها می‌شود.

ظهور شما آن قدر برکت و گشایش ایجاد کرده که حتی مردگان نیز از ظهورت خوشحال می‌شوند و در عالم برزخ به هم تبریک می‌گویند.^{۲۱}

وقتے بیاے

اخلاق، اوج می‌گیرد، بد اخلاقی ریشه‌کن شده، همه از زن و مرد به سمت قرآن می‌روند، اخلاق و عقیده خود را با قرآن سروسامان می‌دهند.

حرص، طمع، بخل و حسادت، دور ریخته می‌شوند. رذایل اخلاقی، نایاب و فضایل در کوی و برزن نمودار است. مردم متخلق شده‌اند به اخلاق نبوی. به همین دلیل بد اخلاقی در هیچ خانه‌ای راه ندارد. اعضای خانواده با هم یکدل و یک‌رنگ، فرزندان با هم مهربان، همه در فکر خدمت به یکدیگر و خوشحال نمودن اطرافیان هستند.

مسابقه‌ای عجیب بین مردم راه می‌افتد در خدمت به خلق خدا و نزدیک شدن به شما که امام زمان و معشوق آنهايي.

مردم به عشق شما خوش اخلاق شده با ديگران مهربان هستند.

با ياد شما سراغ نماز و روزه می‌روند و خوشحال هستند از اينکه در مسير بندگي خدا در حرکتند.

عصبانیت واژه‌ای بیگانه شده که سراغ کسی نمی‌رود. از فحش و ناسزا که اصلاً خبری از آن نیست دیگر نباید حرفی زد. مردم حیاء می‌کنند با زبانی که نام مبارک و زیبایی شما را صدا زده‌اند با آن زبان حرف نامربوط و ناسزا بگویند. آن‌ها خود را در محضر شما می‌بینند، هم خوب حرف می‌زنند و هم حرف خوب می‌زنند.

اوج اچلاق
اوج اچلاق
اوج اچلاق
اوج اچلاق

وقتے بیابے

مسیر بیمارستان‌ها کم رفت‌وآمدترین مسیرها می‌شود. سلامت روحی و جسمی، هدیه‌ای است که خداوند به برکت شما به مردم عنایت می‌کند. هرکس مریض باشد سالم شود و هرکس ضعیف و ناتوان بوده، قوی و نیرومند گردد.^{۲۲} استرس و اضطراب و نگرانی که منشاء بسیاری از بیماری‌هاست همه از بین می‌روند. آرامش در تمام ابعاد، بشر را فرا می‌گیرد، حرص و آز خداحافظی کرده، روح قناعت در مردمان حاکم می‌گردد.

دیگر نابینا و زمین گیر و مبتلا در روی زمین قدم نمی زند بلکه خداوند به برکت شما ای امام عزیز، همه را شفا داده بلاها را برطرف می نماید.^{۲۳}

و چه نابینای باسعادت است کسی که با گشایش چشمانش، اولین نفری که ملاقات می‌کند شما باشی.

دیگر مادران شب را در کنار بستر فرزند بیمارشان به صبح نمی‌رسانند. آن‌ها خوشحال از سلامتی فرزندشان، برای شما دعا می‌کنند و خوشحال‌تر هستند آن زمانی که لبخند شما را می‌بینند که به رضایت زده‌اید و از فرزندانشان راضی و خشنود می‌باشید.

وقتے بیاے

خداوند یارانت را مالک مشرق‌ها و مغرب‌ها نموده، دین الهی با رأفت و رحمت در همه جا ظاهر گشته^{۲۴} رنگ‌وبوی ظلم را از بین می‌برد. نفس‌های آخر ظلم دیدنی است. بعضی‌ها می‌خواهند با شوک برقی احیاءش کنند اما زهی خیال باطل، او هم ناامید از همه‌جا، از این عالم رخت برمی‌بندد و عدالت چه زیبا وارد خانه‌ها، محله‌ها و شهرها می‌شود. همان‌طور که گرما و سرما وارد خانه‌ها می‌شود.^{۲۵}

حکومت سلطه که جز ظلم نمی‌دانست برچیده شده و ظلم ریشه‌کن می‌شود.

هرچند با وجود نفس اماره، احتمال ظلم‌های کوچک

چقدر تأسف می‌خوریم که چرا در دوران غیبت شما، ظلم می‌کردیم و به حق خودمان قانع نبودیم. دیگر هیچ مردی به زنش و هیچ زنی به مردش ظلم نمی‌کند. کارفرما، حق کارگر را تمام و کمال آن هم به موقع پرداخت می‌کند. واژه ظلم غریب شده کسی سراغش نمی‌رود.^{۲۶}

دروغ را نابود می‌کنید که ظلمی بسیار بزرگ بود. و چقدر راضی هستید از عده‌ای که در زمان غیبت شما هم لب به دروغ باز نکرده بودند.

در شکن شدن ظلم بر ظالم
در شکن شدن ظلم بر ظالم
در شکن شدن ظلم بر ظالم
در شکن شدن ظلم بر ظالم
در شکن شدن ظلم بر ظالم

وقتے پیارے

بساط شیطان برچیده می‌شود، قوایش روبه تحلیل رفته دیگر توانی برای گمراه کردن انسان‌ها ندارد.

مهلتی که پروردگار حکیم در روز خلقت آدم علیه السلام به او داده بود با آمدنت به سر می‌رسد. او ناامید و ناراحت به همان وقت معلومی رسیده که دیگر راهی جز نابودی برایش نمی‌ماند.^{۲۷}

شیطانی که به آدم علیه السلام سجده نکرد و از خداوند رحمان مهلت خواست تا نسل آدم را گمراه کند خداوند متعال نیز به او مهلت داد اما تا یک وقت معلومی و آن وقت معلوم حالا با

ظهور شما ای امام مهربان، فرا رسیده است.

آری وقتی بیایی هم شیطان نابود می‌شود و هم انسان‌های شیطان‌نما. پیروان سرسختش هم دیگر راه به جایی نمی‌برند. و ما چقدر خوشحالیم که در دورانی هستیم که وسوسه‌های گمراه کننده کمتر سراغمان می‌آید و حتماً با مدد شما بر نفس اماره هم غالب شده، شما را خوشحال نموده، لبخند رضایت را برای خود به ارمغان می‌آوریم.

لبخندی که به دنیا می‌ارزد. چه سعادت‌مند هستند کسانی که لبخند زیبای شما را که از رضایتان بر لب نشسته، تماشا می‌نمایند.

وقتے بیاے

آسمان سخاوتمند شده، باران رحمتش را تقدیم زمین و زمینیان می‌کند. زمین با شور و نشاط گیاهان سرسبز خود را بیرون داده، تا چشم کار می‌کند گل است و سبزه که انسان‌ها چاره‌ای جز پا گذاشتن روی سبزه‌زارها ندارند. بوته‌های سرسبز و پردشت بسیار خوشحال از اینکه در خدمت مردمان دوران شما هستند و آنچنان با نوازش آرام باد شادی خود را بروز می‌دهند که هرگز سابقه‌ی چنین ایامی را تجربه نکرده بودند. ابرها با خوشحالی بر سر انسان‌ها حاضر شده از اینکه لبخند

آسمان و زمین با نگاه به شما سخاوتمند شده، شما می‌کنی و حتی بدهی بدهکاران را هم می‌پردازي و در نهایت روزگار سخت، به دست شما از بین می‌رود.^{۲۸}

وقتِ زیبا

همه، حتی اهل آسمان دوستت دارند. دوست داشتنی واقعی. آسمان، باران خود را از اهل زمین دریغ نمی‌دارد و زمین با مهربانی تمام گیاهان خود را به نمایش می‌گذارد.^{۲۹} تا چشم کار می‌کند سرسبزی و زیبایی و طراوت است. سخاوت آسمان و نرم خویی زمین، زمین را به بهترین وجه، تزئین نموده است. اهل زمین در آن دوران، خود را خوشبخت‌ترین مردم می‌دانند و تنها به یک آرزو فکر می‌کنند. «ای کاش مردگان ما بودند و این خوبی‌ها و زیبایی‌ها را

و این‌ها همه از برکت شماست که آسمان و زمین متبرک شده به مردم خیر می‌رسانند.^{۳۱} و چه زیباست زنده شدن بعضی از مردگان برای مشاهده‌ی قدرت خدا و درک این زیبایی‌ها.

اصحاب کهف، سلمان فارسی، مقداد، سمیه مادر عمار یاسر،
صیانه ماشطه^{۳۲} و عده‌ای دیگر پا در دنیای ظهور می‌گذارند تا
از این زیبایی‌ها بهره ببرند و تحقق وعده‌ی خداوند را مشاهده
نمایند.

روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو
روز آرزو

وقتے بیابے

مہربانی ارزان می شود ارزان تر از ارزان، راه که می رویم
گل مہربانی می چینیم، همه لبخند به لب دارند و فضا، بویی
جز مهر ندارد، کینه در به در شده^{۳۳} نفس های آخر را می کشد،
در قلب ها اثری از کدورت و تیرگی دیده نمی شود.
انسان ها همه به هم سلام می کنند و صادقانه از احوال هم
جو یا می شوند.

رسیدگی به احوال دیگران، در حد اعلی شکل می گیرد، رقابت
در این رسیدگی دیدنی است. کاش باشیم، ببینیم و لذت ببریم از
عطر روح افزای مہربانی که در فضا پخش شده است.

مهربانی؛ که شما از جد بزرگوارتان رسول مهربانی به ارث
برده‌اید و آن را از مردمی که سال‌ها با یکدیگر نامهربان بودند
دریغ نمی‌دارید، به کوچک و بزرگ رسیده است.

نا مهربانان با دیدن مهر و محبت شما شرمنده شده مسیر
مهربانی را در زندگیشان هموار می‌کنند. دیگر هیچ کودکی،
مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرد و از هیچ‌کس نامهربانی
نمی‌بیند.

خداحافظ ای اشک‌هایی که روی گونه‌ها به ظلم جاری
می‌شدید.

مهربانی
مهربانی
مهربانی
مهربانی

کل مهربانی کل مهربانی کل مهربانی
کل مهربانی کل مهربانی کل مهربانی
کل مهربانی کل مهربانی کل مهربانی
کل مهربانی کل مهربانی کل مهربانی

وقتے پیارے

مملکتی بنا می کنی که تاج و تخت سلیمان (علیه السلام) و آن همه
ملک عظیمش در برابرش، به حساب نمی آید.^{۳۴}

حضرت سلیمان علیه السلام که تمام انس و جن در اختیارش بودند به باد فرمان می داد حیوانات همه رام او گشته و بر منطقه ای از جهان حکومت داشت، حالا می آید تا جمال و جلال و شوکت حکومت شما را مشاهده نماید که چگونه عدالت در تمام خانه ها وارد شده و حیوانات هم از آسایش و

حکومتی واحد، حاکمی عادل و مهربان، مردمی با ایمان و با گذشت با تمامی امکانات مادی و معنوی، همگی در فکر زندگی سالم و شاد در دورانی پر از عطر بندگی، راه به سوی کمال حقیقی را طی می کنند.

جهان همه یکپارچه، مردم همه متحد، دین همه اسلام و مرام همه مردانگی، صفا، عشق و رهبر همه، شما، شمایی که صفا را به اوج رسانده‌ای و انسان‌ها را به کمال.

اوج صفتند چنانچه
اوج اوج چنانچه
اوج اوج چنانچه
اوج اوج چنانچه
اوج اوج چنانچه

وقتے بیایے

بدی و انحراف راهی قبرستان شده اثری از آن‌ها باقی نمی‌ماند.^{۳۵}

سرزمین‌های کفر یکی یکی فتح می‌شوند^{۳۶} و مردم آن کشورها که از ظلم و جور خسته شده بودند به سمت شما آمده ایمان می‌آورند. چرا که تورات و انجیل واقعی را نمایان کرده^{۳۷} آن‌ها را به دین واقعی دعوت می‌کنی. دیگر کافری در روی زمین نمی‌ماند و دولت شما شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد.^{۳۸} دیگر ناشایستی نمی‌ماند مگر اینکه صالح می‌شود^{۳۹} و شما همان اباصالحی هستی که ما آرزو داشتیم در کنارتان باشیم.

مؤمنانی که شما را در آن روزگار درک می‌کنند بسیار

خوشحال و خوشبخت هستند.^{۴۰} که به تحقق رسیدن آرزوی تمام انبیاء و اولیاء را مشاهده می‌کنند و رضایت خدا را از بشر شاهد هستند.

در آن دوران هیچ مؤمنی نیست مگر این که دلش شاد است^{۴۱} و خوشحالی از سر و صورتش می‌بارد، هیچ‌کس را در آن دوران، ناراحت و خسته و گرفتار پیدا نمی‌کنی. همه شادند به رضایت شما و خرسند که شما امام همه هستی و مردم عاشقانه در اقتدای به شما به رقابتی زیبا مشغول هستند. عرب و عجم، آفریقایی و اروپایی، سفید و سیاه، همه در یاد شما و در فکر خدمتی ناقابل به محضران هستند. و چقدر خوشحال هستند کسانی که در دوران غیبت شما از خدمت و یاری دین، کوتاهی نکردند.

وقتے بیاے

گنج‌های زیرزمین استخراج شده با دستان با کرم‌ت
بین مردم تقسیم می‌شود به حدی که دیگر کسی خود را
محتاج نمی‌بیند. غصه‌ی دادن صدقه مردم را می‌کشد چرا که
هیچکس صدقه را قبول نمی‌کند. مردم جایی برای مصرف
پول‌های خویش ندارند.^{۴۲}

دغدغه‌ی نان و نام، دیگر جایی بین انسان‌ها ندارد. مردم
که شاهد مرگ انسان‌ها از شدت گرسنگی و فقر در دوران
غیبت بودند آرزویی جز بازگشت فقرا به دنیای ظهور ندارند

تا طعم واقعی زندگی را در زیر سایه امام مهربانی بچشند. و همگان شاهد عملی شدن وعده پیامبر رحمت هستند که فرمود: امت من در زمان مهدی (علیه السلام) به آن چنان نعمتی می‌رسند که هرگز مانند آن، دارای نعمت نبوده‌اند.^{۴۳}

و چه زیباست که فردی به خزانه وارد شده پولی را درخواست می‌کند و خزانه‌دار شما کیسه‌اش او را پر از پول کرده و بخشش را تمام می‌کند اما آن شخص، پشیمان شده به علت عدم نیاز، پول‌ها را برمی‌گرداند اما خزینه‌دار می‌گوید: ما چیزی را که دادیم پس نمی‌گیریم.^{۴۴}

بی فرهنگی، رخت عزا به تن کرده دیگر خریداری ندارد، جشن فرهنگ در کوچه و برزن برپا است، مطالعه و کتابخوانی حرف اول را می‌زند. ثانیه‌ها احیاء شده، جوانان هرگز وقت خود را هدر نداده از هر لحظه برای کمال و سعادت و خوشبختی خود استفاده می‌کنند. اما این رشد فرهنگ و علم و دانش فقط برای تعالی اخلاق و انسانیت است نه اینکه مانند دوران غیبت از علم و دانش برای سقوط انسانیت استفاده شود. و شما همان انسان کاملی هستی که انسانیت را با نشاط و شادابی به جان‌های خسته مردمان اهدا می‌نمایی. با شما، انسان بودن لذتی دیگر دارد.

وقتِ بیا

عیسی علیه السلام پیامبری که کشته نشده بلکه در آسمان چهارم ساکن شد تا ذخیره‌ای باشد برای روز موعود و دعوت مسیحیان عالم به سمت شما، از آسمان فرود می‌آید و بعد از سلام به محضر نورانیتان، در نماز به شما اقتدا کرده، شرافت وزیری شما را به همراه خواهد داشت.^{۴۸}

و مسیحیان که سالیان سال در انتظار ظهور عیسی مسیح علیه السلام بودند در گرویدن به شما از همدیگر سبقت می‌گیرند و خاضعانه فرمان پیامبرشان را اطاعت کرده با دین و آئین شما پیوند برقرار می‌کنند.

چه زیباست نمازهایی که پشت سر شما می‌خوانیم و با عشق به شما اقتدا کرده با حضور قلب در محضر شما می‌ایستیم.
زیباتر از آن، ذکر زیبای تسبیحات مادران فاطمه علیها السلام است



که ما با اقتدا به شما، آهسته و با توجه آن‌ها را می‌گوییم.
 شکوه نمازهای جماعت دیدنی است. مردم از دورترین نقاط
 برای شرکت در نماز جماعتی که امامش شما باشی آمده‌اند.
 دیگر بعد از نمازها برای ظهورتان دعا نمی‌کنیم بلکه سجده
 شکر به جای آورده خدا را از این همه نعمت شاکر خواهیم بود،
 نعمت حضور امام و اقتدای به او.

دیگر دعا‌های بعد از نمازمان، شفا بیماران، ادای قرض
 قرض‌مندان، نابودی دشمنان، حل مشکل اشتغال، ازدواج و
 مسکن جوانان نیست که همه‌ی این‌ها با اندیشه‌ی الهی و
 مدیریت ربانی شما به سامان رسیده‌اند.
 دعای ما این است که خداوند سایه‌تان را مستدام گرداند و
 عمرتان را طولانی.

نماز
 بهترین عبادت است
 با شکوه ترین
 نماز

نماز
 بهترین عبادت است
 با شکوه ترین
 نماز
 بهترین عبادت است
 با شکوه ترین
 نماز

وقتے دیالے

خداوند به واسطه شما گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند. دل‌ها پر از یاد خدا شده مردم از گناه فاصله می‌گیرند. زمین چندین برابر محصول می‌دهد. دام‌ها زیاد شده، رزق و روزی فراوان می‌شود به نحوی که هرگز نظیر چنین نعمتی دیده نشده است. پرندگان بدون هیچ ترسی در آشیان به جوجه‌هایشان می‌رسند. ماهیان قعر دریاها نیز غرق در شادمانی و شغف هستند. چشمه‌ها جاری می‌شود و آب‌ها، شیرینی دیگری پیدا می‌کنند.

بیشتر مردم، در فکر خدمت به خلق و عبادت خدای مهربان هستند.

زندگان آرزویی ندارند جز اینکه ای کاش مردگان ما زنده می‌شدند و می‌دیدند ما در چه سعادت‌ی زیر سایه حجت خدا، در کمال آرامش در رفاه و آسایش بسر می‌بریم.^{۴۹}

و چه زیبا، خداوند آرزوی زندگان را مستجاب کرده، برخی مردگان به حیات دنیا برمی‌گردند و از شور و شغف در محضر شما بودن، توشه برمی‌گیرند برای زندگی دوباره.

آبروها حفظ می‌شود، مردم عزیز و عزتمند در کنار هم
زندگی می‌کنند.

همه به عالم غیب بودن شما، ایمان آورده و از طرفی
خداوند را شاهد اعمال می‌دانند. حس حضور خدا پررنگ
شده، با جان و دل، لمس می‌شود.

جوانان با عشقی که به شما دارند دیگر سمت خطا نمی‌روند.
آن‌ها به‌خاطر آورده نساختن دل شما تمام تلاششان را صرف
می‌کنند تا مبادا گرد غم بر چهره‌ی مبارکتان بنشیند.
آن‌ها به‌خوبی می‌دانند شما از گناه شیعیان، ناراحت
می‌شوید.

وقتِ بیایه

همه‌ی مشکلات آسان می‌شود.^{۵۲}
 گنج‌های زیرزمین با افتخار خود را به شما نشان می‌دهند^{۵۳}
 و با التماس از شما می‌خواهند که آن‌ها را با دست خویش
 تبرک کرده بعد به دیگران پیشکش کنید.
 کسی برای حل مشکل، دعا نمی‌کند بعید است کسی را
 بیابیم که مشکل قرض، ازدواج یا مسکن داشته باشد.
 مانده‌ام بانک‌ها چه می‌شوند در آن دوران، یا مؤسسات
 خیریه چه کاری را در دستور خود قرار می‌دهند.
 مردم با خاطری آرام، اوقات خویش را به چهار قسمت

تقسیم کرده لحظاتی را به عبادت، ساعتی را برای تفریح و ساعتی را به خانواده و ساعتی را هم به کسب روزی حلال مشغول می‌شوند.

هرگز جوان یا نوجوانی را نمی‌بینی که احترام پدر و مادر، سرش نشود یا حرف آن‌ها را بی‌اهمیت بشمارد. نوجوانان به عشق شما، در مقابل پدر و مادر مؤدب می‌نشینند و در راه رفتن از آن‌ها پیشی نمی‌گیرند. آن‌ها از مسخره کردن دیگران متنفرند و به دنبال کسب علم و دانش و طی کردن پله‌های ترقی با هم در مسابقه هستند. و چه زیباست لبخند رضایت شما به روی آن‌ها که قند را در دلشان آب می‌کند.

وقتے پیایے

نامنی، واژه‌ای غریبه برای همه می‌شود. هیچکس از نامنی در هیچ‌جای زمین حرفی برای گفتن ندارد. یک پیرزن به تنهایی مسافت طولانی را طی می‌کند بدون اینکه از کسی گزندى به او برسد.

حتی حیوانات هم در امان هستند. درندگان خوی
درندگی خویش را به کناری نهاده زندگی مسالمت آمیز را
آغاز می کنند.

طواف خانه خدا با امنیت کامل صورت می‌گیرد. عدالت در آنجا نیز حکمفرماست و چه صفایی دارد سعی صفا و مروه به همراه وجود نورانیت که هر ساله انجام می‌گیرد و

شما امیرالحجاج هستی. امیری که حج با ملاقات شما، کامل می‌شود.

فرمانداران شما نیز با اجرای فرمان شما امنیت را در مناطق مختلف جاری کرده، شب و نیمه شب با روز روشن فرقی ندارد.

قفل‌های محکم به مغازه‌ها زده نمی‌شود، هنگام اذان، مغازه‌ها باز و مغازه‌دارها در مسجد برای جماعت حضور دارند، درحالی که گزندگی به اموالشان نمی‌خورد.

والدین غصه‌ی رفت و آمد فرزندان را نمی‌خورند. آن‌ها با خیال راحت، بدون نگرانی از فضای جامعه، کودکان و نوجوانان خود را راهی مدارس و تفریح‌گاه‌ها می‌کنند.

وقتے بیاے

و آن زیباترین حکومت را به سامان برسانی و همه چیز را به کمال خویش رهنمون شوی، روز سعادت بشر است. و مهم نیست که ۷ سال یا ۱۹ سال و یا ۷۰ سال و شاید هم ۳۰۹ سال حکومت کنی، بلکه مهم این است که این زیباییها دیگر تمام نمی شود.

آن هنگام که مقدر الهی جاری شود و روح از بند مطهرت مفارقت نماید و عطش فرشتگان به دیدار شما در بهشت فروکش نماید خداوند بعد از شما، امام دیگری را می آورد تا این خلقت به زیبایی و کمال ادامه یابد. آری امام حسین علیه السلام

سعادت بشر

سعادت بشر
سعادت بشر

می آید آن هم به همراه قمر منیر بنی هاشم و یاران دیگر.
جد بزرگوار شما، بدن مطهر شما را غسل داده، کفن نموده
در جای خود دفن می کند و درحالی که حاکم جهان است به
بهترین وجه به اداره جهان می پردازد به همراه وزیری که
ابتهت، حیاء، وفاداری و صلابت همه از او ناشی شده است؛
آری عباس بن علی (علیه السلام) همان قمر بنی هاشم، با افتخار وزارت
این دوران را به عهده دارد و مثل همیشه کمک کار امام
عزیزش است.

و دنیا همچنان زیبا باقی می ماند تا ...

سعادت بشر

سعادت بشر
سعادت بشر
سعادت بشر

منابع

۱. غیبت، نعمانی، ص ۱۶۹.
۲. همان، ص ۳۲۳.
- حضرت باقر علیه السلام فرمود: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرِئِيلُ ثُمَّ الثَّلَاثُمِائَةِ وَ الثَّلَاثَةُ عَشَرُ؛
- نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است، سپس یاران (سیصد و سیزده نفر) با او بیعت می کنند».
۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.
- حضرت باقر علیه السلام فرمود «ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ فِي مِثْلِ الْحَلَقَةِ عَشْرَةَ آلَافٍ رَجُلٍ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهْزُ الرَّاْيَةُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلَيْهِ دِرْعُهُ وَ بِيَدِهِ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذُو الْفَقَارِ؛
- سپس از مکه خارج می شود درحالی که ده هزار سرباز سلحشور مانند نگین انگشتر، او را در میان گرفته اند. جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ او حرکت می کند؛ پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را بالا می برد، زره پیامبر را به تن، شمشیر ذوالفقار آن حضرت را در دست می گیرد».

۴. هود/ ۸۶.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

امام صادق (علیه السلام) درباره روز موعود می فرماید: «أَوَّلُ مَا يَنْطَقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ : « بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ؛

ابتدا این آیه شریفه را تلاوت می کند: «اگر ایمان آورده اید، آن چه خدا برای شما باقی می گذارد، برای شما کافی است» سپس می فرماید: «بقیت الله» من هستم، حجت خدا و جانشین او در میان شما، من هستم. هیچ مسلمانی در روی زمین نمی ماند، مگر این که می گوید: سلام بر تو ای تنها بازمانده خدا، روی زمین».

۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۶.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فَيَصْعَدُ مِنْبَرُهُ فَيَخْطُبُ النَّاسَ فَتَسْتَبِشِرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَتَعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتَنْزِيْنُ لَأَهْلِهَا ... وَ يَقُولُ الْقَائِمُ كُلُّوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ؛

روی منبر می‌نشینند و برای مردم خطبه می‌خواند. زمین صدای عدالت را می‌شنود. آسمان، باران رحمتش را نازل می‌کند. میوه‌های درختان زیاد می‌شود. زمین، سرسبز و خرم و زیبا می‌شود».

۷. صحیفه مهدیه، ۶۱۸،

تجمع به الممالک کلها؛ همه‌ی مملکت‌ها را یکی می‌کند.

۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

رسول خدا ﷺ فرمود: «الأئمة من بعدی اثنا عشر؛ أولهم أنت یا علی، و آخرهم القائم الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها؛ امامان بعد از من دوازده نفرند؛ اول آنان تویی یا علی علیه السلام و آخر آنان قائم علیه السلام است که خداوند - یادش بزرگ باد - با دستان او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح می‌کند».

۹. غیبت، نعمانی، ص ۱۵۰.

امام باقر علیه السلام فرمود: «یظهر كالشَّهاب، یتوقّد فی اللیلة الظلماء، فإن أدركت زمانه قرّت عینک؛

همچون شهاب که در شب تاریک شعله‌ور می‌شود، ظاهر می‌شود؛ اگر

زمان او را درک کردی دیده‌ات روشن شود».

۱۰. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۱۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰۵.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «يَسِيرُ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ؛ به روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان آن‌ها رفتار می‌کند و راه و روش آن حضرت را انجام می‌دهد».

۱۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثها في الناس، وضم إليها الحرفين، حتى يثبتها عشرين حرفاً؛

علم بیست و هفت حرف است، پس همه آنچه را که هر یک از پیامبران آوردند دو حرف است و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف را نمی‌شناسند و آن‌گاه که قائم ما قیام نماید، بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را به آن‌ها می‌افزاید تا تمام

بیست و هفت حرفِ علم را در میان مردم منتشر نماید».

۱۳ . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.

رسول خدا ﷺ فرمود که خداوند در شب معراج درباره فرزندم مهدی (عج) فرمود: «وَلَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ، وَلَأَذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ، وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ؛

حتماً بادها را در تسخیر او درمی آورم و حتماً ابرهای سخت را برای او رام می سازم و حتماً او را در وسیله‌ها بالا می برم».

۱۴ . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۱۵ . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۳۶.

۱۶ . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۱۷ . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۳۶.

امام صادق (عج) فرمود: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ؛ در روی زمین، هر نقطه ویران شده‌ای آباد خواهد شد».

۱۸ . همان، ص ۶۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: « لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛
هر بدعتی در هر جای دنیا باشد، آن حضرت از بین می‌برد، و همه
سنت‌ها را برپا می‌دارد».

۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ
بِهِ عَقُولَهُمْ، وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛

هرگاه قائم ما قیام نماید، دست خود را بر سر بندگان خدا می‌گذارد
و به این وسیله خرده‌های آنان را جمع و متمرکز می‌سازد و اخلاق آنان را
تکمیل می‌نماید».

۲۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرٍّ، وَ مِنْ
ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ؛

هرکس قائم اهل بیت مرا درک کند و مریض باشد سالم می‌شود، و کسی که دارای ضعف و ناتوانی است قوی می‌گردد».

۲۳. همان، ج ۵۳، ص ۶۲.

امام حسین علیه السلام فرمودند: «... و لا یبقی علی وجه الأرض أعمی و لا مقعد و لا مبتلی إلا کشف الله عنه بلاؤه بنا اهل البيت علیهم السلام؛

در عصر ظهور هیچ فرد نابینا و زمینگیر و مبتلا باقی نمی‌ماند مگر آن‌که خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا را از او برطرف می‌نماید».

۲۴. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: هذه الآية: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ...» نزلت فی المهدي و أصحابه، یملکهم الله مشارق الأرض و مغاربها، و یظهر الله بهم الدّین حتّی لا یرى أثر من الظلم و البدع.

این آیه شریفه: «کسانی که اگر قدرت و تمکّن به آنها بدهیم...»، درباره حضرت مهدی و یاوران او نازل شده است.

خداوند آنان را مالک مشرق‌ها و مغرب‌های زمین قرار می‌دهد و به وسیله آنان دین را ظاهر می‌سازد تا این که اثری از ظلم و بدعت دیده

نشود!

۲۵. غیبت، نعمانی، ۲۹۷.

۲۶. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... أما والله ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرُّ والقرُّ»؛

حتماً و قطعاً عدالت آن حضرت در میان خانه‌های آنان وارد می‌شود، همان گونه که گرما و سرما وارد می‌شود».

۲۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۲۸. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

۲۹. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «يحبّه ساكن الأرض و ساكن السماء، و ترسل السماء قطرها، و تخرج الأرض نباتها لا تمسك فيها شيئاً... يتمنى الأحياء الأموات ممّا صنع الله بأهل الأرض من خيره؛

ساکنان زمین و آسمان او را دوست دارند و آسمان باران خود را می‌بارد

و زمین گیاهان خود را می‌رویاند و چیزی از آن را در خود نگه نمی‌دارد.
زندگان آرزو می‌کنند ای کاش مردگانشان بودند...».

۳۰. همان.

۳۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۱۵.

۳۲. دلائل الامامة، ص ۴۸۴.

۳۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶.

۳۴. الزام الناصب، ص ۲۳۱.

حضرت علی (علیه السلام) درباره عظمت سلطنت حضرت مهدی (عج) فرمود: «إِنَّ
مُلْكَنَا أَعْظَمُ مِنْ مُلْكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانَنَا أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ؛

حکومت ما از سلطنت سلیمان بن داود بزرگتر است و پادشاهی ما از
پادشاهی او وسیع‌تر است».

۳۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

۳۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشَّرِكِ؛

گنج‌ها را بیرون می‌آورد و سرزمین‌های کفر را فتح می‌کند».

۳۷. منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «يَسْتَخْرِجُ الثَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ؛ تورات و کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد».

۳۸. بحار، ج ۵۲، ص ۹۱.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ دولت او در شرق و غرب جهان گسترش می‌یابد».

۳۹. منتخب الاثر، ص ۴۸۷.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ»؛ روی زمین کافری نمی‌ماند مگر این که ایمان بیاورد و شخص ناشایستی نمی‌ماند مگر این که صالح شود».

۴۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«وَلَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَدْنَى طَوْبَى لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَدْرَكُوا زَمَانَهُ، وَ لَحِقُوا أَوَانَهُ، وَ شَهِدُوا أَيَّامَهُ، وَ لَاقُوا أَقْوَامَهُ!»؛

بدی و انحراف را روی زمین ناپود می‌کند. خوشا به حال مؤمنانی که او را درک کنند و دولت حق را ببینند و آن روزگار خوشبختی را ببینند و یاران باوفای او را ملاقات کنند».

۴۱. همان، ص ۳۲۸.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «هیچ مؤمنی نیست مگر این‌که دلش شاد و مسرور شود».

۴۲. غیبت، نعمانی، ص ۱۵۰.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: حتماً زمانی برای شما فرا می‌رسد که احدی از شما جایی برای مصرف دینا و درهم خود نداشته باشد، یعنی در زمان ظهور حضرت قائم (علیه السلام) جایی نمی‌یابد که پول خود را در آن مورد خرج کند، زیرا به فضل خداوند و ولی او تمام مردم بی‌نیاز خواهند بود.

۴۳. التشریف بالمنن، ۱۴۹.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تَرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، وَ الْمَالُ كَدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ يَقُولُ: يَا مَهْدِي أَعْطِنِي، يَقُولُ: خَذْ؛

امت من در زمان مهدی (علیه السلام) به آنچنان نعمتی می‌رسند که هرگز مانند آن دارای نعمت نبوده‌اند. آسمان بر آنان می‌بارد و زمین هرچه از گیاهان دارد خارج می‌سازد و ثروت فراوان است. شخصی می‌ایستد و به مهدی می‌گوید: به من عطا کن و او می‌گوید: بگیر.

۴۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

۴۵. الزام الناصب، ص ۱۳۹.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «يَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرُ؛ شر از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند».

۴۶. بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.

امام مجتبی (علیه السلام) فرمود: «تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ أَرْبَعِينَ عَامًا؛ فُطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ!»

در دولت مهدی (علیه السلام) درندگان سازش می‌کنند، زمین نباتات خود را خارج می‌کند، آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد، گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و بین مشرق و مغرب را مالک می‌شود. خوشا

به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود».

۴۷. غیبت، نعمانی، ص ۱۲۵.

امام باقر علیه السلام فرمود: «تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»؛

در زمان او، آنقدر به شما دانش و فرهنگ داده می‌شود که زن خانه‌دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله داوری می‌کند».

۴۸. منتخب‌الأثر، ص ۳۱۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنَا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام خَلْفَهُ»؛

کسی که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند از ماست».

«يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَقُولُ أُمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ»؛

عیسی علیه السلام در گردنهٔ افیق در بیت‌المقدس فرود می‌آید، وارد

بیت‌المقدس می‌شود، در حالی که مردم نماز می‌خوانند. سپس حضرت

مهدی علیه السلام عقب می‌ایستد، ولی عیسی علیه السلام او را جلو می‌برد و خودش نیز

به او اقتدا کرده، پشت سرش بر اساس دین محمد ﷺ نماز می‌خواند و می‌فرماید: شما اهل بیتی هستید که کسی نمی‌تواند از شما سبقت بگیرد».

۴۹. یوم الخلاص، ترجمه محمد رحمتی، ص ۳۱۰.

۵۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

۵۱. غیبت، نعمانی، ۳۱۹.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آن زمان که قائم قیام نماید در هر قسمتی از قسمت‌های زمین مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو (آنچه را که وظیفه داری انجام دهی) در کف دست توست. پس هرگاه جریانی برای تو واقع شد که آن را نفهمیدی و ندانستی که درباره آن چگونه قضاوت کنی، به کف دستت نگاه کن و به آنچه در آن وجود دارد قضاوت نما».

۵۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلُّ عَسِيرٍ وَ يَذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ وَ يَظْهَرُ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ وَ يَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الْأَرْضِ وَ يَقْرُبُ لَهُ كُلُّ بَعِيدٍ».

او امام دوازدهم است، که خداوند هر مشکلی را برای او آسان می‌کند و



گنج‌های زمین را برای او فاش می‌کند، راه دور برای او نزدیک می‌گردد».

۵۳. همان.

آثار دیگر مؤلف:

۱. **هیچکس به من نگفت**: (معارف مهدویت با نثری روان و ادبی برای نوجوانان / چاپ هجدهم).
۲. **تمنای وصال**: (خواسته‌های امام زمان علیه السلام از ما، در تشرفات / چاپ سیزدهم).
۳. **پر پرواز**: (معارف نماز برای نوجوانان / چاپ نهم).
۴. **مهم‌ترین تصمیم**: (پاسخ به سئوالات دانش‌آموزان درباره نماز / چاپ چهارم).
۵. **خورشید را نمی‌توان دید**: (حجاب، ارتباط دختر و پسر، ماهواره / چاپ سوم).
۶. **زیر این حرف‌ها خط بکشید**: (معارف نماز با محوریت خاطرات شهدا / چاپ دهم).
۷. **شیوه‌های جذاب‌سازی کلاس‌های معارف دین**: (بامحوریت قرآن، امام زمان علیه السلام و نماز، چاپ دوم).
۸. **در هوای او**: (پیرامون عشق و محبت حضرت مهدی علیه السلام، چاپ دوم).
۹. **زیر باران**: (۳۱۳ نکته درباره نماز، چاپ دوم).
۱۰. **ماهی که مهر را برد**: (آسیب‌های ماهواره).
۱۱. **راه کارهای عملی یاد امام زمان علیه السلام**: چاپ دوم.

۱۲. **تالپ چشمه**؛ (گزیده‌ای از سه مصدر اصلی مهدویت).
۱۳. **هشت قدم در کوچمباغ انتظار**؛ (هشت درس مهدوی برای نوجوانان / چاپ هشتم).
۱۴. **خانه خانه تا ظهور**؛ (۸۱ جدول مهدوی برای نوجوانان، چاپ دوم).
۱۵. **گزیده دیوان حبران**؛ (زندگینامه و اشعار علامه سید حسن میرجهانی، چاپ دوم).
۱۶. **سه روز برای او**؛ (اعتکاف حرکتی به سمت ظهور / چاپ هشتم).
۱۷. **آخرالزمانی‌ها بخوانند**؛ (۱۴ عامل عاقبت‌بخیری، چاپ دوم).
۱۸. **جمعه روز ظهور**؛ (شرح دعای صاحب‌الزمان در روز جمعه).
۱۹. **عفلت از یار**.
۲۰. **برای ظهورش معتکف شویم**. (چاپ ششم)

این کتب با تخفیف ۵۰ درصد ارائه می‌شود.

۰۹۱۹۳۵۲۰۴۹۲